

## جنگ نرم و امنیت اجتماعی

قربانعلی قربانزاده سوار\*

خلیل قلخانباغ\*\*

مهدی رحمتی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۱/۳۰

### چکیده

امنیت اجتماعی یک مقوله بنیادین در حیات جامعه است که عوامل متعدد در تقویت یا تضعیف آن نقش دارند و از جمله این عوامل جنگ نرم است. امنیت اجتماعی با ارزش‌های جمعی انسان در زندگی اجتماعی ارتباط نزدیک دارد و جنگ نرم در صدد است تا افراد و اقشار جامعه هدف را با خود همسو کند. ارزش‌های جمعی، حلقه پیوند امنیت اجتماعی و جنگ نرم محسوب می‌گردد؛ زیرا ارزش‌های جمعی از یک سو عامل همبستگی و وفاق جامعه می‌باشد و از سوی دیگر چون ارزش‌های جمعی باعث هنجارمندی روابط افراد در عرصه‌های گوناگون حیات عمومی انسان می‌شود، عامل تقویت امنیت اجتماعی است. به طور کلی، استقرار ارزش‌های جمعی باعث افزایش استحکام هنجارها و کاهش هنجارشکنی در جامعه و نظام شده و ثبات، تعادل و امنیت اجتماعی از این طریق، تقویت می‌گردد و جنگ نرم با تضعیف مجموعه ارزشی و هنجاری جامعه باعث اختلال در سیستم امنیت جامعه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** هنجارهای جامعه، ارزش‌های جمعی، جنگ نرم، امنیت اجتماعی.

\* - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

\*\* - نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه

\*\*\* - کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

## ۱. مقدمه

امنیت از جمله موضوعات و پدیده‌های شایان توجه هر نظام سیاسی و از نیازها و ضرورت‌های اساسی و پایه‌ای هر فرد و جامعه‌ای به شمار می‌رود که فقدان یا اختلال در آن، بازتاب‌های نگران‌کننده و پیامدهای خطرناک دارد. دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، مبالغه‌نگفتی را برای تأمین امنیت هزینه می‌کنند؛ زیرا امنیت و میزان آن، برای کلیه رژیم‌های سیاسی و شهروندان، صرف نظر از سطح توسعه در ابعاد مختلف و نوع ایدئولوژی، مهم‌ترین مسأله به شمار می‌آید. امنیت اجتماعی، جایگاه برجسته‌ای در مباحث نظری، عملی و مهم‌ترین مسأله سیاسی- اجتماعی نظام‌های سیاسی دارد. این نوع امنیت از لایه‌های جدید امنیتی است که تولید، تأمین و پایداری آن نیازمند مقدمات لازم و کافی، فرآیند ظریف، مراحل سیاست‌گذاری و مدیریت پیچیده است و آسیب‌ها و تهدیدهای آن و شناخت جامع، دقیق و به هنگام آنها ضرورت مضاعف دارد.

عوامل متعددی بر امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد و امنیت اجتماعی را تحکیم یا تضعیف می‌نماید. در مورد تهدیدهایی که از جانب عوامل گوناگون متوجه امنیت اجتماعی است این سؤال مطرح می‌شود که عامل جنگ نرم چگونه بر امنیت اجتماعی اثر می‌گذارد و چه تأثیراتی بر امنیت اجتماعی کشور دارد؟

در پاسخ به سؤال مزبور این فرضیه مطرح می‌شود که: عواملی که بر ارزش‌های جامعه تأثیر دارد و باعث محکم شدن یا تغییر، تهدید و تخریب آنها می‌شود، بر امنیت اجتماعی تأثیر گذاشته و باعث تحکیم یا تخریب آن می‌شود و جنگ نرم از طریق آماج قرار دادن نظام ارزشی جامعه، امنیت اجتماعی را در ابعاد گوناگون آن، هدف قرار می‌دهد.

هدف تحقیق حاضر این است که میان ارزش‌های جامعه و نقصان و ضعف در آنها با امنیت اجتماعی ارتباط برقرار کند و از این طریق متوجه شود که جنگ نرم علیه هر جامعه‌ای، ارزش‌های آن جامعه را هدف قرار می‌دهد و اگر با غفلت نهادهای مسئول همراه باشد آثار زیان‌باری به همراه دارد.

پیشینه مطالعات تحقیق حاضر حاکی از این است که هر چند در خصوص مبحث جنگ نرم یا مقوله امنیت اجتماعی مطالب مختلفی نگارش یافته است ولی در خصوص تأثیر جنگ نرم بر

امنیت اجتماعی، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. بنابراین، تحقیق حاضر نقطه شروعی در این زمینه است.

## ۲. روش تحقیق

فرضیه تحقیق با روش تحلیلی- تبیینی و کتابخانه‌ای، مورد بررسی قرار گرفت و تأثیر جنگ نرم بر امنیت اجتماعی با استفاده از منابع مختلف ارزیابی گردید.

## ۳. بحث و تحلیل

### ۳-۱. امنیت اجتماعی

امنیت<sup>۱</sup> از جمله نیازهای اولیه و ضروری هر جامعه، به‌ویژه جامعه بشری محسوب می‌شود. این نیاز از زمانی که بشر قدم به عرصه حیات نهاد، پدید آمد. از جمله مسائل مهمی که در اشکال مختلف از دیرباز تاکنون، مطرح بوده است، مسأله امنیت می‌باشد که ابعاد و موضوعات مربوط به آن در گذر زمان، تنوع و پیچیدگی روزافزون یافته است (لرنی، ۱۳۸۳: ۱). امنیت، مقوله‌ای دیرینه و کهن است که پیوند ناگسستنی با جوهر هستی انسان دارد (ووشندل، ۱۳۷۴: ۳). آدمی حتی پیش از آن که هیئت و هویت اجتماعی بیابد به امنیت با چشم آشنای همیشه همراه می‌نگریست (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۱۷).

امنیت اجتماعی<sup>۲</sup> از انواع امنیت‌های است که در رویکردهای جدید امنیتی مورد توجه قرار می‌گیرد. مفهوم امنیت اجتماعی را اولین بار، باری بوزان<sup>۳</sup> در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» در سال ۱۹۹۱م. به کار برد (روی، ۱۳۸۳: ۶۹۲). امنیت اجتماعی در سال ۱۹۹۳م. توسط اندیشمندانی چون ال ویور<sup>۴</sup> و لمیتر<sup>۵</sup> تحت عنوان مکتب کپنهاگ<sup>۶</sup> مطرح گردید که انگیزه طرح این اصطلاح، بررسی و مطالعه مفهومی امواج تهدیدآمیز علیه هویت گروه‌ها<sup>۷</sup> بود. آنچه به عنوان امنیت

1- Security  
2- Social Security  
3- Barry Buzzan  
4- Ole Waver  
5- Lemaiter  
6- kopenhag Ideology  
7- Groups Identity

اجتماعی، امنیت جامعه‌گی<sup>۱</sup> و امنیت اجتماعی شده<sup>۲</sup>، مورد توجه صاحب‌نظران امنیت ملی می‌باشد، دلالت بر ضرورت وجود امنیت برای جامعه دارد. از آن‌جا که امنیت جامعه‌گی واژه‌ای متداول نیست، از اصطلاح امنیت اجتماعی در تبیین این مفهوم مدد می‌گیرند (ربانی خوراسگانی و قاسمی، ۱۳۸۶: ۲).

اختلاف نظر درباره مفهوم امنیت اجتماعی وجود دارد. برخی امنیت اجتماعی را یکی از ابعاد امنیت ملی در کنار ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی آن قلمداد نموده‌اند. برخی دیگر امنیت اجتماعی را همسنگ امنیت ملی دانسته‌اند. عده‌ای نیز امنیت اجتماعی را پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، همبستگی، هویت، عرف و سنت‌های مذهبی و ملی در چارچوب قابل قبول برای تحول و تکامل آن می‌دانند. از منظر دیگر، کلیه شرایط و اقداماتی که اقشار مختلف مردم به موجب آن، فعالیت‌های اجتماعی خود را در محیط آرام انجام دهند، امنیت اجتماعی است (MC Sweeney, 1999: 4). امنیت اجتماعی از نظر جامعه‌شناسی، مأمن و پناهی است که اجتماعات با بهره‌مندی از آن، آسودگی و آرامش خاطر می‌یابند و در سایه آن به امورات خویش می‌پردازند و تصویر زندگی اجتماعی را به شکل دلخواه و مطلوب رقم می‌زنند (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۸۰). اگر بخواهیم تعریفی مناسب از امنیت اجتماعی داشته باشیم باید به جنبه‌های سلبی و ایجابی آن توجه کنیم؛ پس امنیت اجتماعی در وجه سلبی آن، حالتی است که شهروندان هیچ هراسی از تهدید خارجی نداشته باشند و از جنبه ایجابی، حالتی که آنها بتوانند ارزش‌های مورد نظر خود را حفظ کنند.

### ۲-۳. جنگ نرم

جنگ نرم<sup>۳</sup>، مجموعه تدابیر و اقدامات از پیش اندیشیده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست که بر نظرات، نگرش‌ها، انگیزش و ارزش‌های مخاطبان - حکومت‌ها، دولت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای خارجی - تأثیر می‌گذارد و در بلندمدت موجب تغییر منش، رفتار و کنش فردی و اجتماعی آنان می‌گردد (الیاسی، ۱۳۸۷: ۱۲). جنگ نرم، حالت تنش مخاصمه

1- Societal Security  
2- Societed Security  
3- Soft War

شدیدی است که بین کشورها پدیدار می‌شود و رزمایش‌های<sup>۱</sup> سیاسی، مشاخره‌های دیپلماتیک، جنگ‌های روانی، محاصمه‌های ایدئولوژیک، جنگ اقتصادی و رقابت برای کسب قدرت از مختصات آن است. هدف‌های این تهاجم می‌تواند تضعیف روحیه وحدت ملی، ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت و تضعیف اراده مقاومت در مردم باشد. جنگ نرم به معنی به کارگیری هوشمندانه، طرح‌ریزی و هدایت اقدامات غیر رزمی است که سرانجام موجب تغییر نگرش و رفتار گروه‌های هدف در جهت برنامه‌ها و منافع طراح جنگ نرم خواهد شد (نائینی، ۱۳۸۹: ۶-۵).

جنگ نرم، روشی برای جنگ و غلبه بر طرف مقابل، بدون استفاده از زور نظامی اولیه و به صورت جذب و اقتناع افکار عمومی است تا با اقدام نرم‌افزارانه و روانی، حوزه افکار و باورهای جامعه را به منظور تحقق اهداف خود اشغال کند و تغییر اساسی و ساختاری در جامعه هدف بر جای گذارد (سنجابی شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). جنگ نرم شامل هر اقدام روانی، تبلیغاتی و رسانه‌ای و فرهنگی است که جامعه و گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و اعمال خشونت، رقیب را به انفعال و شکست وامی‌دارد. جنگ نرم در پی از پا درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا بنیان‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی، در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند. با این اوصاف، طیف وسیعی از اقدامات، از جنگ رایانه‌ای و فعالیت‌های اینترنتی تا راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی در فضای مجازی و موارد دیگر، در قالب مفهوم جنگ نرم می‌گنجد (نائینی، ۱۳۸۹: ۶-۵).

جنگ نرم، منازعه‌ای اطلاعات پایه، آگاهی محور، دامنه‌دار و بلندمدت است که بعد از پایان جنگ سرد از جهت کارکردی در بستر جنگ روانی شکل گرفت و عمدتاً توسط دولت‌ها با بهره‌گیری از پارادایم‌های ایدئولوژیک علیه هویت و دانایی ملت‌ها و با هدف برتری فرهنگی-سیاسی، برنامه‌ریزی و اجرا شد. جنگ نرم یک الگوی تهاجمی استراتژیک، نظام‌یافته و هدفمند است که طبق یک طرح و برنامه جامع، منابع داخلی و خارجی را علیه کشور هدف بسیج کرده و تغییرات بنیادین هویتی و ساختاری را بر مبنای اصول، برنامه‌ها، ابزارها و تکنیک‌های نرم و طی

مجموعه‌ای از فرآیندهای منسجم ایجاد می‌کند. جنگ نرم، راهبرد و روشی برای غلبه بر طرف مقابل به صورت تلقینی و اقناعی بدون کاربرد قدرت سخت نظامی است.

جنگ نرم، کاربرد ابزارهای نرم علیه جامعه خاص با هدف تأثیر بر فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات به منظور استحاله آن و جایگزینی نظام فرهنگی مورد نظر مهاجم با مدافع است. به نظر هیرام جانسون<sup>۱</sup> هنگامی که جنگ آغاز می‌شود، حقیقت، اولین قربانی است و غلبه بر فرد در صورتی که نداند تحت سیطره است، آسانتر می‌باشد. از نظر ایگناسیو رامونه<sup>۲</sup> استعمار شدگان و استعمارگران هر دو می‌دانند که سلطه‌گری تنها مبتنی بر برتری فیزیکی نیست و تسخیر روان اذهان در پی تسخیر نظامی انجام می‌گیرد. از این رو، هر امپراتوری خواهان دوام بیشتر سلطه خویش، در صدد تسخیر روح و ذهن اتباع و مخاطبان خود است (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵۷).

جنگ نرم، هر گونه اقدام غیرخسونت‌آمیز است که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار دهد و منجر به تغییر یا خلق الگوهای هنجاری و رفتاری جدید شود که با الگوهای مورد نظر نظام حاکم تعارض دارد (کرمی، ۱۳۸۷: ۳). جنگ نرم پس از مجموعه تحولاتی، موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری نظام سیاسی می‌گردد (نائینی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

صنایع و فرآورده‌های فرهنگی، رسانه‌های حقیقی و فضای مجازی یا فناوری‌های نوین ارتباطی از مؤثرترین ابزارهای جنگ نرم است. این سه مقوله ارتباط تنگاتنگ و پیچیده‌ای با هم دارند. پویانمایی یا انیمیشن و کارتون، ماهواره، اسباب‌بازی، بازی‌های رایانه‌ای، ادبیات، هنرهای تجسمی و موسیقی از مهمترین فرآورده‌های فرهنگی است. رسانه شامل مطبوعات، نشریات، رادیو، تلویزیون و خبرگزاری‌ها می‌باشد. ابزارهای جنگ نرم در فضای مجازی شامل اینترنت (وب‌گاه‌های خبری، شبکه‌های اجتماعی، وب‌نوشت‌ها (وبلاگ‌ها)، پست‌های الکترونیکی و...) و تلفن همراه (خدمات پیام کوتاه، بلوتوث) می‌باشد. افزون بر این دسته‌بندی، برخی از نویسندگان ابزارهای جنگ نرم را در چهار مقوله؛ ابزارهای فضای رایانه (سایبر)، رسانه‌های نوشتاری،

1- Hiram Jonson  
2- Ignacio Ramona

رسانه‌های دیداری - نوشتاری و ابزارهای سازمان‌ها و تشکل‌ها دسته‌بندی نموده‌اند (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۸).

جنگ نرم با پشتوانه قدرت نرم انجام می‌گیرد. قدرت نرم صرفاً نفوذ نیست، گرچه یکی از منابع نفوذ محسوب می‌شود. نفوذ می‌تواند مبتنی بر نمایش قدرت سخت، تهدیدات اقتصادی یا تهدیدهای مالی باشد. قدرت نرم چیزی بیش از متقاعد کردن یا تحریک مردم بر اساس استدلال است، گرچه بخش مهم آن است. قدرت نرم به معنای توان فریب یا جذب نیز است (Nye, 2008: 95). قدرت نرم، امروزه ستون پولادین و بنیادین سیاست‌های دموکراتیک است و حتی در حوزه نظامی نیز نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند (Nye & Myers, 2004: 466).

بنابراین تمام ابزارهای حامل قدرت نرم را باید به عنوان ابزارهای جنگ نرم مورد توجه و شناسایی قرار داد. این ابزارها انتقال دهنده پیام‌ها با اهداف خاص هستند. وسعت ابعاد و زمینه‌های جنگ نرم سبب شده که دایره گسترده‌ای از ابزارها و شیوه‌ها را در برگیرد. خصلت نوآوری، فناوری‌های نوین، ابزار و صنایع فرهنگی جدید، شیوه‌ها و روش‌های جنگ نرم را متنوع و پیچیده نموده است. خاصیت این نبرد به گونه‌ای است که کمتر ابزار و فناوری را می‌توان به عنوان ابزار اختصاصی جنگ نرم مطرح کرد.

### ۳-۳. امنیت و جامعه

دو رویکرد عمده در خصوص رابطه امنیت و جامعه وجود داد:

**رویکرد اول**، بیشتر متعلق به مطالعات سنتی امنیت است و بر استقلال ماهوی امنیت از جامعه اصرار دارد. این رویکرد به دو دیدگاه مارکسیستی و غیر مارکسیستی تقسیم می‌شود که مسائل جامعه در نظریه مارکسیستی، ناشی از اختلاف طبقاتی و در دیدگاه غیر مارکسیستی، ناشی از تضاد گروه‌های جامعه برای کسب و حفظ قدرت است. در این رویکرد، امنیت خصوصیات زیر را دارد:

۱. امنیت جامعه مبتنی بر ساخت عینی - مادی است؛
۲. جبر اقتصادی و سیاسی، تعیین‌کننده ویژگی امنیت اجتماعی است؛
۳. انسان، تمایلات سلطه‌گری دارد و سمت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی افراد، مولد قدرت،

توانایی و اقتدار هستند و امنیت جامعه مبتنی بر ضوابط ساختاری اقتدار می‌باشد؛  
۴. امنیت جامعه با ویژگی تصاحب و بهره‌گیری از منابع<sup>۱</sup> بیشتر همراه است؛  
۵. کشمکش‌ها هم تأمین‌کننده همبستگی و امنیت و هم موجب گسستگی و ناامنی جامعه است؛

۶. نابرابری در توزیع منابع و منافع اقتصادی - معیشتی و سیاسی، باعث تضاد و جنگ بین گروهی می‌شود؛ لذا امنیت و ناامنی جامعه معلول نابرابری در توزیع منابع و منافع است؛  
۷. ناامنی اجتماعی، چارچوب‌های هویتی را مشخص می‌کند؛ زیرا هویت‌ها بر اساس جایگاه فرد در نظام تولید و تصاحب ثروت و قدرت تعریف می‌شود (امانت، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

**رویکرد دوم**، بر رابطه دو سویه امنیت و جامعه و تأثیر متقابل آنها تأکید دارد و به این نکته توجه می‌کند که امنیت در بطن جامعه، قابل فهم است. بنابراین، بر وجود یا فقدان امنیت در بطن ارزش‌های جامعه متمرکز است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۲۵۹). این رویکرد تا حدی تحت تأثیر جامعه‌شناسانی مثل هربرت اسپنسر<sup>۲</sup>، امیل دورکیم<sup>۳</sup>، ماکس وبر<sup>۴</sup>، تالکوت پارسونز<sup>۵</sup> و دیدگاه کارکردگرایی - ساختی می‌باشد. در این دیدگاه، اجزای جامعه برای حفظ تعادل آن در ارتباط می‌باشند و مؤلفه‌هایی مانند امنیت و ارزش‌های جمعی در حفظ تعادل جامعه نقش دارند. امنیت در این رویکرد، دارای خصوصیات زیر است:

۱. امنیت دارای ساخت ذهنی است؛
۲. نظام فرهنگی، عمده‌ترین توانایی را برای تأمین امنیت در اختیار دارد؛
۳. بیشترین تهدیدات امنیتی در حوزه‌های الف: ارزش‌ها، نمادها، دانش و نظم هنجاری، ب: فرآیند اجتماعی کردن و نظارت بر شئون اجتماع، و ج: الگوهای رفتاری و انگیزش‌ها می‌باشد؛
۴. امنیت، پدیده‌ای اجتماعی و جمعی است؛
۵. هویت‌سازی و جهت‌گیری ارزشی، پایه امنیت اجتماعی است (امانت، ۱۳۸۶: ۲۵۸).

1- Revenue  
2- Herbert Spencer  
3- Emile Durkheim  
4- Max Weber  
5- Talcott Parsons



در این رویکرد چون امنیت اجتماع، پدیده‌ای ارزشی است، ارزش‌های جمعی، زیربنای امنیت است و امنیت در پیوند ناگسستنی با ارزش‌های جمعی قرار دارد. زیربنای امنیت اجتماعی، ارزش‌های مورد پذیرش جامعه است. از این رو، تزلزل در ارزش‌ها و هنجارها بر وقوع ناهنجاری-ها، آسیب‌ها، انحرافات، جرم و جنایت، اعتیاد و خودکشی به مثابه مظاهر ناامنی اجتماعی، تأثیر مستقیم دارد.

### ۳-۴. جنگ نرم و امنیت اجتماعی

بر اساس رویکرد ملهم از کارکردگرایی اگر امنیت اجتماعی متأثر از ارزش‌های مورد پذیرش جامعه است پس می‌توان گفت: استحاله ارزش‌های جامعه، هدف جنگ نرم است و حفظ ارزش‌های جامعه، هدف و لازمه امنیت اجتماعی است. جنگ نرم به دنبال این است که ارزش‌های جامعه را مورد هجوم قرار دهد و آنها را تضعیف نماید؛ زیرا استحاله ارزش‌های جمعی باعث افزایش جرم و جنایت و کاهش امنیت اجتماعی در جوامع هدف می‌شود. اما جامعه‌ای که ارزش‌های مورد پذیرش اعضای آن حفظ شود، شاهد کاهش انحرافات و افزایش امنیت اجتماعی خویش است. امنیت و به طبع آن، امنیت اجتماعی بر مبنای ارزش‌های مقبول جامعه بنا شده است و جنگ نرم موجب استحاله ارزش‌های جامعه می‌شود. البته این ارزش‌ها در جوامع مختلف متفاوت است. در برخی جوامع، اعتقادات دینی ارزش محسوب شود و در برخی دیگر، سایر موضوعات دارای ارزش هستند. بنابراین، ارزش‌ها در ارتباط بین جنگ نرم و امنیت اجتماعی به عنوان عامل اصلی محسوب می‌گردد.

امنیت اجتماعی، توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در شرایط تهدیدات و تغییرات واقعی و احتمالی است (نویدنیاز، ۱۳۸۲: ۶۲). تهدیداتی که متوجه امنیت اجتماعی است با عناصر ارزشی جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد. در نتیجه، هر تهدید فردی یا گروهی نسبت به ارزش‌ها، محل امنیت محسوب می‌شود و اجتماع را به واکنش وامی‌دارد. اگر در جامعه‌ای، ارزش‌های مقبول جامعه از سوی عوامل خارجی یا داخلی تهدید و مخدوش شود، امنیت اجتماعی دچار خدشه شده و جامعه با انحرافات و مشکلات بسیار مواجه خواهد شد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۱: ۱۴۲).

از آنجا که یکی از کار ویژه‌های بنیادین نظام، امنیت اجتماعی، مراقبت از ارزش‌های جامعه است، امنیت اجتماعی و ارزش‌های جمعی، ارتباط متقابل عمیق و پایدار دارند و تأثیر متقابل امنیت و ارزش، زمینه‌ساز تعادل تعاملی در سطح جامعه می‌شود. در این وضعیت تعاملی، هر عامل منفی و سلبی از جمله جنگ نرم که باعث خدشه در ارزش‌های جامعه شود، باعث تضعیف امنیت اجتماعی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین عواملی که ارزش‌های جامعه را تضعیف می‌نماید، جنگ نرم است که از طریق تضعیف ارزش‌های جامعه ضمن اختلال در همبستگی جامعه، باعث تضعیف امنیت اجتماعی می‌شود. جنگ ارزش‌ها بخشی از جنگ نرم است. ارزش‌ها غالباً معیار سنجش خوبی یا بدی پدیده‌ها، رفتارها، کردارها و... را برای انسان مشخص می‌نمایند (دیویس، ۱۳۷۳: ۱۷). انسان‌ها به این باور گرایش دارند که ارزش‌های آنها حقیقی و درست است. آنها از ارزش‌های خود دفاع می‌کنند و اغلب می‌کوشند دیگران را متقاعد سازند که خوب بودن آنها را در نظر بگیرند. ارزش‌ها، الهام‌بخش قضاوت‌ها، رفتارها و عواطف هستند (تاجیک، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

#### ۴. تأثیر جنگ نرم بر امنیت اجتماعی

جنگ نرم از ابعاد مختلف بر امنیت اجتماعی کشورها تأثیر می‌گذارد. در جنگ نرم به اعتقادات، باورها و ارزش‌های اساسی یک جامعه، حمله می‌شود؛ زیرا در صورت تغییر باورهای بنیادین جامعه، قالب‌های تفکر و اندیشه آن دگرگون می‌شود و الگوهای رفتاری جدید شکل می‌گیرد و رفتارهای چالشی و ساختار شکنانه، جایگزین رفتارهای متعادل جامعه می‌گردد. تردید، دودلی، بدبینی و احساس ناکارآمدی نسبت به ساختار سیاسی نظام در جنگ نرم شکل می‌گیرد. جنگ نرم، عرصه عرضه نمادها و مناسک فرهنگی گوناگون و متعارض، رویارویی آموزه‌ها و باورها و تفسیرهای دینی متفاوت و متضاد و تقابل ارزش‌ها و رفتارها و گرایش‌های معنوی رنگارنگ است. جنگ نرم از طرق گوناگون و در زمینه‌های مختلف بر امنیت اجتماعی جوامع تأثیر می‌گذارد که موارد عمده آن در ادامه این نوشتار، مرور می‌شود.

#### ۴-۱. سستی اعتقادات

امروزه در جهان در کنار ادیان گذشته، مکاتب و باورهای جدید و حرکت‌ها و جنبش‌های معنویت‌گرای نوظهور پدید آمده و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. تاکنون کوشش‌هایی برای تعریف و تهدید جنبش‌های دینی صورت گرفته است ولی آشفتگی حاکم بر فضای ادیان و معنویت‌های جدید و سیالیت مصادیق عینی، نه تنها تعریف آنها را دشوار ساخته، بلکه نام‌گذاری آنها را پیچیده نموده است. این که آنها را فرقه، جنبش یا جریان اجتماعی بدانیم، دینی و معنوی یا غیر دینی و نامعنوی بودن آنها نیز مورد بحث است. مبحث نوپدیدگی آنها و تبیین مفهوم نوین نیز هنوز به فرجام نرسیده است (Arweck, 2006: 2).

در جنگ نرم، سعی طرف مهاجم بر آن است تا ارزش‌های دینی را نزد مخاطبان به ضد ارزش تبدیل نموده و نسبت به قداست آنها ایجاد تردید نماید. همچنین با شبیه‌سازی، تحریف واقعیات و تعویض جایگاه اصول و فروع، اعتقادات مخاطبان را مغشوش کند. بحران در هویت دینی موجب می‌شود که فرد نتواند اصول دین خود را تشخیص دهد و بر آنها پایدار بماند. در این شرایط که ارزش‌ها در مخاطبان با استفاده از ابزارهای تبلیغی، استحاله می‌شود، اعتقادات افراد تحت تأثیر تبلیغات مهاجمان، سست می‌گردد.

#### ۴-۲. استحاله فرهنگی

فرهنگ، مجموعه نظام‌مند هنجارها، ارزش‌ها و قواعد است. سر ادوارد تایلر<sup>۱</sup> فرهنگ را مجموعه دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هر گونه توانایی و عادت می‌داند که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه، کسب می‌شود. به نظر ریموند ویلیامز<sup>۲</sup> فرهنگ، فرآیند عمومی تکامل و توسعه فکری، معنوی و زیباشناختی و شیوه خاص زندگی مردمی خاص یا دورانی خاص تعریف می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۹: ۹-۸). مقصود جامعه‌شناسان از فرهنگ، جنبه‌هایی از جوامع بشری است که آموخته می‌شوند، نه آنهایی که به صورت ژنتیک به ارث می‌رسند. فرهنگ جامعه شامل جنبه‌های نامحسوس - شامل عقاید، اندیشه‌ها و ارزش‌هایی که محتوای

1- Sir Edward Taylor

2- Raymond Williams

فرهنگ می‌باشد- و جنبه‌های ملموس و محسوس - شامل اشیاء، نمادها یا فناوری که باز نمود محتوای فرهنگ می‌باشد- است. امکان ارتباط متقابل و همکاری بین اعضای جامعه به این دلیل به وجود می‌آید که آن اعضا در این عناصر فرهنگی سهیم هستند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۳۵).

فرهنگ و قدرت ارتباط نزدیکی دارند؛ زیرا منبعی که قدرت را در محدوده خاصی ایجاد می‌کند، بستگی زیاد به اهداف اعلامی یک فرهنگ دارد (نای، ۱۳۸۷: ۱۸۷). فرهنگ از ایدئولوژی فراتر می‌رود و به اساس هویت جمعی افراد جامعه مربوط می‌شود. خودآگاهی جمعی، زبان، قومیت، تاریخ، مذهب و دیدگاه مشترک، بنیان‌های فرهنگ را تشکیل می‌دهند. مظاهر هویت برای رسمیت یافتن، باید از اجماع و استمرار در اجتماع برخوردار باشد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

با عنایت به رابطه قدرت و فرهنگ، با ایجاد جنگ نرم، امنیت ضربه می‌بیند؛ زیرا جنبه‌های محسوس و نامحسوس فرهنگی و هنجارهای ثبات‌بخش آن برای شهروندان فاقد ارزش می‌شود و شهروندان به دنبال ارزش‌هایی مغایر با ارزش‌های نظام خویش می‌باشند. به عبارت دیگر، وقتی لایه‌های بالای نظام حاکم نتواند حاکمیت ایدئولوژیک خود را بر جامعه استمرار دهد و خود را تجسم بخش منافع جامعه برای شهروندان بسازد و لایه‌های پایین هم آنها را نپذیرند، در این شرایط، نظام سیاسی در ورطه سقوط قرار می‌گیرد (دهقانی، ۱۳۸۴: ۴۹۲-۴۹۱).

قدرت نرم، رفتار توأم با جذابیت قابل رؤیت، اما غیر محسوس است؛ چون قدرت نرم فرهنگی، روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند، از جذابیت برای ایجاد اشتراک در ارزش‌ها و خواسته‌ها سود می‌جوید. قدرت نرم زمانی اعمال می‌شود که یک کشور، سایر کشورها را وادار کند که چیزی را بخواهند که خود می‌خواهد. توانایی تأثیر بر آنچه دیگر کشورها می‌خواهند، با عوامل نامحسوس مانند فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها ارتباط دارد (شیلر، ۱۳۷۷: ۱۰۰). در جنگ نرم، دشمن تلاش می‌کند ارزش‌های مورد نظر خود را جایگزین نظام ارزشی جامعه هدف نماید. در این جنگ با استفاده از رسانه، شیوه زندگی مهاجم به عنوان الگو از سوی مخاطبان پذیرفته شده و در بلندمدت بدون این‌که مخاطبان متوجه باشند، نمادهای فرهنگی مهاجمان، جایگزین ارزش‌های فرهنگی جامعه هدف می‌شود.

فرهنگ بومی در صورت پیروزی مهاجم در جنگ نرم، نقش نمادین و فلسفه وجودی خود

را از دست می‌دهد و در نتیجه، جامعه دچار پراکندگی و گسستگی می‌شود؛ زیرا همبستگی و انسجام اجتماعی در گرو یگانگی فرهنگی افراد جامعه است. جنگ نرم با القانات خود، ارزش‌های متفاوت را فراروی افشار مختلف جامعه هدف قرار می‌دهد که این امر، گسلی ژرف را میان آنها موجب می‌شود. این روند می‌تواند تا حدی پیش برود که تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه را مجذوب نظام فرهنگی مجری جنگ نرم نماید. این افراد در نهایت به سوی انکار و نفی هویت خود پیش می‌روند و چون هویت ملی، بنیان امنیت ملی را شکل می‌دهد، امنیت کشور هدف، مخدوش می‌گردد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۴-۱۳۳).

#### ۳-۴. تردید در مبانی نظام

مهاجم در جنگ نرم با تردید افکنی در مبانی یک نظام سیاسی، الگوی آن نظام را در عرصه‌های مختلف اجتماعی ناکارآمد می‌سازد (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷۱). در جنگ نرم فرآیند دولت‌سازی توسط دشمن در جهت تغییر الگوی نظام سیاسی مستقر، عمل کرده و الگوهای رفتاری حوزه سیاسی را متحول نموده و مبانی مشروعیت نظام مستقر را با مشکل مواجه می‌سازد و به تدریج از طریق فرآیند مشارکت‌زدایی، نامشروع‌سازی، ناکارآمدی و ثبات‌زدایی نظام سیاسی، مقبولیت آن از بین رفته و شرایط برای جایگزین نظام سیاسی فراهم می‌گردد. جنگ نرم در صدد القای وجود بحران‌های هویت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت به مخاطبین در جامعه هدف است تا ناکارآمدی دولت هدف را در بحران‌زدایی نشان دهد و پس از آن، رژیم سیاسی مورد نظر خود را به عنوان نظام سیاسی مطلوب به مخاطبین در جامعه هدف، القا کند.

#### ۴-۴. نابسامانی

بی‌سازمانی<sup>۱</sup> یا نابسامانی اجتماعی عبارت از نارسایی و شکست در یک نظام اجتماعی با پایگاه‌ها و نقش‌های مرتبط است. وقتی یک گروه، سازمان، اجتماع یا جامعه خاص، نابسامان است، ساخت پایگاه‌ها و نقش‌های آن، چنان که بایسته است، سازمان‌یافته نیست. در چنین حالتی، اهداف جمعی و فردی اعضای آن، کمتر از یک نظام اجتماعی کارآمد، امکان تحقق دارد (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

نابسامانی، حالتی است که گسیختگی اجتماعی به صورت حاد در یک نظام اجتماعی وجود دارد. در نتیجه، مشکل اجتماعی که بر اثر نابسامانی اجتماعی غالب می‌شود، به دلیل نقص‌های تکنیکی و ابزاری موجود در نظام اجتماعی است. در چنین وضعیتی، نظام به حالتی در می‌آید که به واسطه نقص در رفع نیازهای کارکردی، کمتر از حد واقعی خود، کارآیی دارد. ترکیبی از اشتباه‌ها در ساخت هنجاری یک نظام اجتماعی که بی‌سازمانی اجتماعی نامیده می‌شود، نمایانگر نارسایی در ارضای نیازهای کارکردی نظام است. در این صورت، یا الگوهای اجتماعی رفتار- در اثر اجتماعی شدن ناقص اعضا- از بین می‌رود یا تنش‌های شخصی که به دلیل زندگی در نظام اجتماعی به وجود می‌آید، به اندازه کافی توسط فرآیندهای اجتماعی، مهار یا رفع نمی‌شود.

یکی از منابع بی‌سازمانی، وجود نارسایی‌ها و وقفه‌هایی است که در کانال‌های ارتباطی مردم در یک نظام اجتماعی - کشور، محله یا انجمن - پدید می‌آید؛ مردمی که تابع رابطه متقابل الزامات اجتماعی و خواسته‌های فردی هستند. قطع خطوط و جریان ارتباطات، ناشی از وضعیت ساخت پایگاه، گروه‌ها و قشرهای اجتماعی است که نه تنها منافع و ارزش‌های آنها متفاوت بلکه ناسازگار است. بی‌سازمانی اجتماعی در این وضعیت، تقویت می‌گردد؛ زیرا اگر چه مردم طبق نیازمندی‌ها و هنجارهای موقعیت خاص خود در جامعه زندگی می‌کنند، اما ممکن است دارای اهداف متقاطع باشند (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴). یک کارکرد جنگ نرم این است که در کانال‌های ارتباطی افراد وقفه ایجاد کند. مردم که عامل اصلی وفاق و همبستگی خود را دچار اختلال می‌بینند، در ارتباط با هم به مشکل بر می‌خورند و امنیت اجتماعی آنها دچار اختلال می‌شود.

#### ۴-۵. از خود بیگانگی

از خود بیگانگی<sup>۱</sup>، حالتی است که موجب می‌شود انسان از خود دور شود و کیفیات و حالات دیگری را به جای واقعیت و حقیقت خود بنشاند. حالتی که در آن شخصیت واقعی انسان زایل می‌شود و شخصیت بیگانه در آن حلول می‌کند، از نظر جامعه‌شناختی، به معنی گسست فرد از دیگران و مترادف با بیزاری در احساس و جدایی فرد از دیگران، کشور، کار یا خداست (ستوده، ۱۳۷۲: ۵۰). از خود بیگانگی، آزادی افراد جوامع توسعه‌نیافته را در مقابل نظام جهانی سرمایه‌داری،

1- Alienation

محدود می‌سازد. با توجه به ویژگی حسابگری، غیر احساساتی و ماشینی شدن و با غلبه غرب‌گرایی و مصرف‌گرایی بر زندگی انسان، فردیت و آزادی او به خطر می‌افتد و پول به طور همزمان، منبع آزادی و از خودبیگانگی انسان می‌شود. در چنین شرایطی، فرد با «خود» و «جامعه خود» بیگانه می‌شود. گویی انبوهی از بیگانگان، برای نفع شخصی، مجبور به تعامل اجتماعی شده‌اند که این مسأله به نوبه خود، بیگانگی را دامن می‌زند. توسعه اقتصاد پولی و گسترش حسابگری، رقابت را تشدید و انفراد «فرد» را تقویت می‌کند و انزوا و از خود بیگانگی او را به دنبال دارد (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۶۶).

زمانی که ارتباط من اجتماعی<sup>۱</sup> فرد با محیط اجتماعی او ضعیف شود، فرد از خود، بیگانه می‌شود. این از خودبیگانگی دارای سه وجه است: ۱. انزوای اجتماعی؛ ۲. احساس بی‌قدرتی؛ ۳. بی‌هنجاری (بخارایی، ۱۳۸۶: ۲۸۷). از خودبیگانگی غیر از به حاشیه راندن افراد و گسترش انزواطلبی در جامعه، با هنجارشکنی خود باعث مسائلی چون عدم رعایت ارزش‌های جامعه، ترویج فرهنگ بیگانه، رواج مصرف‌گرایی و تحمیل هزینه‌های غیرضروری بر خانواده‌ها و دولت است. یکی از کارکردهای جنگ نرم نیز این است که با بیگانگی فرد از جامعه، موجبات نارضایتی او فراهم آید و مشکلاتی در جامعه به وجود بیاید که امنیت اجتماعی، دچار خدشه شود.

### ۴-۶. ناهنجاری

مفهوم آنومی<sup>۲</sup> اشاره به وضعیت بی‌قاعدگی، ناهنجاری یا بی‌هنجاری<sup>۳</sup> دارد که در این شرایط، افراد قادر نیستند بر اساس نظامی از قواعد مشترک، ارتباط متقابل برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند. در نتیجه، نظم فرهنگی و اجتماعی از هم می‌پاشد. آنومی به معنای خلاء اخلاقی، تعلیق قواعد و بی‌قانونی است. در چنین شرایطی با یک بحران اجتماعی، وضعیت تعادل جامعه بر هم ریخته و ناهنجاری گسترده به وجود می‌آید که جامعه با مشکل اختلال در هنجارها مواجه است (محبوبی‌منش، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

ناهنجاری، دلالت بر وضعیتی دارد که در آن هنجارهای اجتماعی که سلوک فردی را نظم

1- Social Self

2- Anomie

3- Norm Lessees

می‌بخشد، در هم شکسته یا تأثیر خود را به عنوان قاعده رفتار از دست داده باشد. بی‌هنجاری اگر بیش از حد گسترش یابد، دامنه وسیعی از شرایط اجتماعی و حالت‌های روانی را شامل می‌شود. ناسامانی شخصی، آشفتگی فرهنگی، بی‌اعتمادی متقابل و مانند آن، از جمله این موارد است (فاضل و میری‌آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۲).

طرف مهاجم در جنگ نرم در پی این است که قواعد جامعه هدف را که باعث شکل‌دهی به هنجارهای جامعه می‌شود از هم گسیخته کند تا باعث آشفتگی در نظام اجتماعی شود. در جنگ نرم تلاش می‌شود تا از طریق تضعیف نظام فرهنگی جامعه، باعث تضعیف نظام هنجاری آن شود؛ زیرا در صورتی که نظام هنجاری جامعه با مشکل مواجه شود جامعه دچار اختلال می‌گردد و امنیت اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود.

#### ۴-۷. شکاف نسلی

تمایز یا شکاف نسلی<sup>۱</sup> به معنی وجود تفاوت‌های معرفتی، بینشی، گرایشی، ارزشی و رفتاری میان دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است (فاضل و میری‌آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۴). مسأله‌ای که در تمایز نسلی مورد توجه است، شکاف در ارزش‌های مورد پذیرش نسل‌های مختلف است. مجموعه ارزش‌هایی که برای یک نسل اهمیت دارد، در صورتی که با جامعه‌پذیری صحیح به نسل بعدی آن جامعه منتقل و پذیرفته نشود، تضعیف می‌گردند و تفاوت یا تضاد بینشی، گرایشی، ارزشی، اخلاقی و رفتاری دو نسل، عامل پیدایش انحرافات و مسائل اجتماعی می‌شود. وقتی یک نظام اخلاقی و رفتاری مورد تفسیر و تهدید قرار گیرد یا در مرحله تجزیه واقع گردد، افرادی که نظام مزبور حافظ منافع آنهاست در جلوگیری از تفسیر آن کوشش می‌کنند و در مقابل، عده زیادی خواستار دگرگونی آن می‌شوند. در نتیجه، بین دو گروه اجتماعی برخورد و ستیز، در می‌گیرد و زمینه مساعد برای پیدایش انحرافات اجتماعی پیدا می‌شود. ارتباط و وابستگی متقابل امور اجتماعی موجب می‌شود که یک مسأله اجتماعی به پیدایش مسائل اجتماعی دیگر کمک کند (شیخاوندی، ۱۳۷۲: ۱۷۲).

جنگ نرم با گسست در نظام ارزشی و رفتاری نسل‌های مختلف جامعه هدف، باعث نوعی

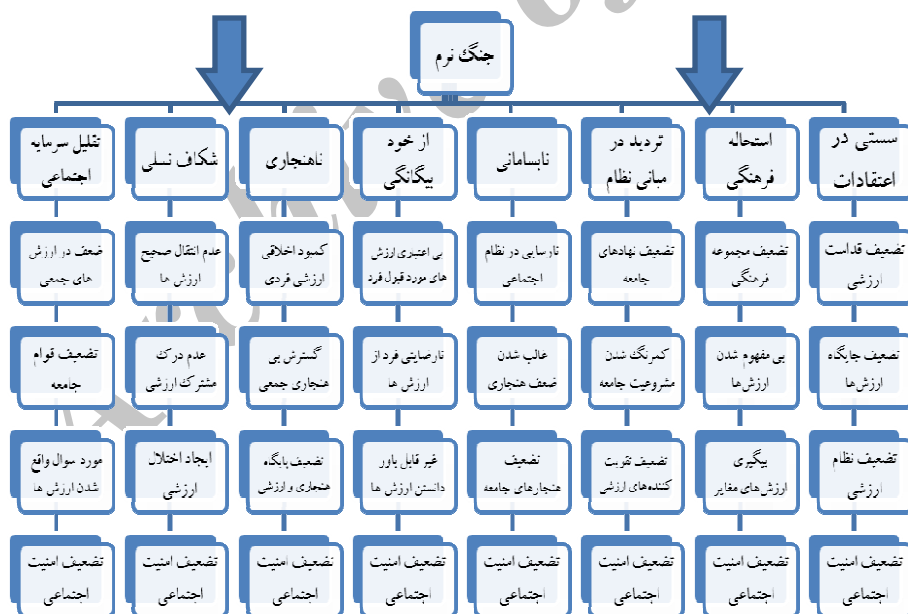


تمایز نسلی در بین افراد جامعه می‌شود که ادامه این روند باعث اختلالات در جامعه می‌شود و امنیت اجتماعی را با مشکل مواجه می‌سازد.

#### ۴-۸. تقلیل سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>، مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌هاست که اعضای جامعه در آن سهیم هستند (فاضل و میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۴). در صورت تقلیل این سرمایه، قوام و پایداری جامعه صدمه می‌بیند. جنگ نرم از طریق زیر سؤال بردن ارزش‌های جامعه، باعث کاهش سرمایه اجتماعی افراد در جامعه شده و در این حالت، امنیت اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود. جمع‌بندی مباحث این نوشتار یعنی تأثیر جنگ نرم بر امنیت اجتماعی در قالب مدل زیر، ترسیم شده است.

#### مدل تأثیر جنگ نرم بر امنیت اجتماعی



1- Social Capital

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مقوله امنیت اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین مقوله‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای از اهمیت غیرقابل انکاری برخوردار است. امنیت اجتماعی با ارزش‌های جامعه، پیوند ناگسستنی دارد تا جایی که به باور بسیاری از متفکران، در صورتی امنیت اجتماعی در جامعه حفظ می‌شود که ارزش‌های جامعه حفظ گردد و به عبارت دیگر، امنیت جامعه به معنی وضعیتی است که در آن ارزش‌های جمعی حفظ گردد.

عوامل بسیاری بر امنیت اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارند و این اثرگذاری ممکن است در جهت تقویت یا تضعیف امنیت اجتماعی باشد. یکی از مهمترین عواملی که باعث تضعیف امنیت اجتماعی می‌شود، جنگ نرم است. جنگ نرم با تغییر در ارزش‌های جامعه و اخلال در روند درونی شدن ارزش‌ها باعث تضعیف امنیت اجتماعی می‌شود. جامعه‌ای در مقابل جنگ نرم می‌تواند امنیت اجتماعی خود را حفظ کند که ضمن درونی کردن ارزش‌های خود بتواند در مقابل اقدامات مجری جنگ نرم، ارزش‌های خود را حفظ نماید. جنگ نرم از طریق اخلال در مجموعه هنجاری جامعه و تضعیف ارزش‌های جامعه، باعث هم‌نوایی افراد جامعه با ارزش‌های جامعه دیگر می‌شود. در این حالت، راهبری مردم برای حکومت مشکل می‌شود و با توجه به این که جنگ نرم، ارزش‌های یک جامعه در نسل‌های مختلف را متفاوت می‌سازد، باعث می‌شود که هزینه‌های عمومی افزایش یابد و ارزش‌های جوامع دستخوش تغییر شود و با تغییر ارزش‌ها، امنیت اجتماعی که ملهم از این ارزش‌هاست با بحران مواجه شود.

در خصوص حفظ ارزش‌های جامعه و تقویت امنیت اجتماعی نه تنها دولت و نهادهای مسئول بلکه مردم نیز نقش غیرقابل انکاری دارند که لزوم توجه به آنها بسیار کارساز می‌باشد. پیشنهادهای زیر در خصوص کاهش تأثیر جنگ نرم بر امنیت اجتماعی ارائه می‌گردد:

۱. سطوح مختلف ارزشی در هر جامعه‌ای به صورت شفاف تبیین گردد.
۲. با آموزش‌های مناسب، ارزش‌ها به نسل‌های بعدی منتقل شود.
۳. با آموزش‌های مناسب، ارزش‌ها به نسل‌های بعدی منتقل شود.
۴. نهادهای اجتماعی و نهادهای فرهنگی ضمن توجه به امنیت و ارزش‌های جامعه با یکدیگر تعامل داشته باشند.

۵. به تغییرات اجتماعی و برنامه‌ریزی مطابق با این تغییرات توجه بشود.

۶. مکانیزم‌های خود کنترلی فردی و اجتماعی تقویت گردد.

## فهرست منابع

۱. افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۸۹). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۲. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۷). «مقدمه‌ای بر ماهیت و ابعاد تهدید نرم»، فصلنامه نگاه، سال دوم، ش ۵.
۳. امانت، حمیدرضا (پاییز ۱۳۸۶). «امنیت اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، ش ۴۵.
۴. بخارایی، احمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران: پژوهک جامعه.
۵. بشیری، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: نشر طلوع.
۶. بلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۸). جهانی شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه: ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۷. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی، ج. ۱. ا.، تهران: فرهنگ‌گفتمان.
۸. تاجیک، محمدرضا (بهار ۷۷). «قدرت و امنیت در عصر پسامدرن»، نشریه گفتمان، ش ۱.
۹. دهقانی، سیدجلال‌الدین (پاییز ۱۳۸۴). «طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، ش ۳.
۱۰. دیویس، استانیلی (۱۳۷۳). مدیریت فرهنگ سازمان، ترجمه: ناصر میرسپاسی، تهران: نشر مروارید.
۱۱. ربانی خوراسگانی، علی؛ قاسمی، وحید (۱۳۸۶). «رابطه احساس امنیت اجتماعی و نگرش مذهبی»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ج ۲، ش ۴.
۱۲. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). «تحلیل عملیات روانی در بستر انقلاب‌های رنگی»، فصلنامه عملیات روانی، سال ششم، ش ۲۲.
۱۳. روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت.
۱۴. روی، پل (۱۳۸۳). «معمای امنیت اجتماعی»، ترجمه‌میزه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی،

ش ۲۱.

۱۵. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور.
۱۶. سنجابی شیرازی، جهانبخش (۱۳۸۹). «مفهوم شناسی و تبار شناسی قدرت و جنگ نرم، اصول و روش‌های رویارویی با آن در منابع علمی»، فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، سال اول، شماره دوم.
۱۷. شیخاوندی، داور (۱۳۷۹). تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، تهران: انتشارات باز.
۱۸. شیلر، هربرت (۱۳۷۷). وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا، ترجمه احمد عابدینی، تهران: نشر سروش.
۱۹. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۲۰. فاضل، رضا؛ میری‌آشتیانی، الهام (۱۳۸۷). آسیب‌های اجتماعی ایران؛ نگاهی به آینده، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۱. کالینز، جان‌ام (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ؛ اصول و رویه‌ها، ترجمه کوروش بایندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۲. کرمی، مسعود (۱۳۸۷). «قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی»، قدرت نرم (مجموعه مقالات) ج دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۲۴. لرنی، منوچهر (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی امنیت، تهران: نشر پیام پویا.
۲۵. متقی، ابراهیم (بهار ۱۳۸۹). «جنگ نرم، انقلاب‌های رنگی و دیپلماسی عمومی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۲۸.
۲۶. محبوبی‌منش، حسین (زمستان ۱۳۸۱). «امنیت و انحرافات اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، سال پنجم، ش ۱۸.
۲۷. میلسن، ژان و دیگران (۱۳۸۸). قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۲۸. نائینی، علی محمد (۱۳۸۷). «ناتوی فرهنگی و راهبردهای مقابله با آن»، فصلنامه عملیات روانی، سال چهارم، ش ۱۴.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، ش ۲۸.
۳۰. نای، جوزف (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه محمودرضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۳۲. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۳. نویدنیا، منیژه (بهار ۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۹.
34. Arweck, Elisabeth (2006). **Researching New Religious Movements Responses and Redefinitions**, London & New York: Rutledge.
35. MC Sweeney, Bill (1999). "Security Identity and Interests: Sociology of International Relations", Cambridge: Cambridge University press.
36. Ney, Joseph, (2008); "Security and Smart Power", <http://abs.sagepub.com/content/51/9/1351>.
37. Ney, Joseph, Myers Joanne (2004), **Soft Power: The Means to Success in World Politics**, <http://www.carnegiecouncil.org/resources/transcripts/4466.html>.